نظام جهانی علوی

هاشم، ژوزف

آزاد، مهرداد

اشاره

مقاله حاضر،نوشته استاد«ژوزف هاشم» وزیر بهداشت سابق لبنان است.

وی از نویسندگان مسیحی است که در عرصه فرهنگ و اندیشه قلم می‏زند.و همچون‏ هم وطن خود جرج جرداق از شیفتگان و ارادتمندان امام علی«ع»است.

استاد ژوزف هاشم مقالات برجسته‏ای‏ درباره شخصیت علی«ع»و کتاب گرانقدر نهج البلاغه به رشته تحریر در آورده که مقاله زیر از جمله این مقالات است و به مناسبت سال امام‏ علی«ع»تقدیم خوانندگان عزیز کیهان فرهنگی‏ می‏شود.

آمیزه«آرمان»و«واقعیت»برای حرکت در مسیر «جاودانگی»عنوان بحث ما است که بر این اساس‏ فلسفه زندگی بطور خلاصه عبارت است از تداوم‏ ارتباط وجود محدود در زمان با جاودانگی روح.

«ایده‏آل یا آرمان»پایه«آرمانگرائی»(ایده آلیسم) و به معنی کمال و الهام گرفتن ایده‏ها و آرمانهای‏ الهی است که فارابی در وصف آنها می‏گوید:«نه‏ نابود می‏شوند و نه تباه می‏گردند».

«واقعیت»پایه و مبنای واقعگرایی است، همانکه در مکتب فلسفی افلاطون عبارت است از: «صورتی معنوی در عالم حقیقی که عالم مثال‏ (آرمانی)خوانده می‏شود.»

«حرکت»نیز در برگیرنده زمانی نامحدود و از خلود یعنی بقای ابدی،جدائی ناپذیر است.

«آرمان»و«واقعیت»و«حرکت»و«جاودانگی» در تفسیر زمانی و معنوی همگی با خدا مرتبطاند، زیرا خدا منبع خیر مطلق،حق مطلق،عدل مطلق، جاودانگی مطلق و نمونه عالی و مطلق کمال هستی‏ است.

با ارسال دین توسط خداوند،اراده او بر این‏ تعلق گرفت که دین،رسالتی معنوی و نظامی مدنی‏ برای انسانها باشد و حاکمیت زمین را با شریعت‏ آسمانی و همه ارزشهای آرمانی و واقعگرایانه و جاودانگی نفس پیوند دهد.و بدین گونه پیامبر اسلام با حکومت بر مردم،شریعت الهی را به اجرا در آورد،پس حکومت اسلام همان حکومت الله‏ است و حکومت مطلوب در قرآن همان حکومت‏ الهی است.«سن آگوستینوس»در تعریف حکومت‏ آرمانی می‏گوید که آن:حاکمیت مدینه خداوند یا مدینه الهی است.

در مقابل باید دید چگونه می‏توان مفاهیم‏ «آرمان»،«واقعیت»،«حرکت»و«جاودانگی»را از دیدگاه ملحدان و منکران وجود خدا تفسیر کرد؟

در این باره«ویور بارخ»در کتاب خود با نام‏ «ماهیت مسیحیت»خدایان را مخلوق انسان می‏داند نه انسان را مخلوق و آفریده خدا.

«ژان پل سارتر»(1)هم خدا را جز جسمی‏ بی‏جان نمی‏شناسد با این آموزه‏ها آیا جز این است‏ که انسان خدا را از صحنه خارج می‏کند و بتهایی را در درون خود جایگزین می‏نماید و سرانجام خود به ابزارهایی تحت فرمان حرکت آهن و آتش مبدل‏ می‏شود؟

بزرگترین خطری که در عصر حاضر انسان را تهدید می‏کند رویکرد او به مادیگرایی،جذب شدن‏ به سوی زمین و در نتیجه کاهش معنویت آسمانی‏ است،همان که مارکسیستها درباره‏اش می‏گویند: «اندیشه و فکر از زمین به آسمان می‏رود نه اینکه از آسمان به زمین بیاید»،و خطرناکترین الحادی که‏ عصر حاضر را تهدید می‏کند تفکری است که ظاهر دین به خود می‏گیرد و در آن از خدا به عنوان وسیله‏ای برای شکار ارزشهای الهی استفاده‏ می‏شود.

شاید امروز مهمترین نیاز انسان،بازگشت به‏ خدا باشد.زیرا با دور افتادن ایمان و رفتار ما از قوانین الهی،تورات و انجیل و قرآن از صحنه خارج‏ گشته و موسی و عیسی و محمد و علی و سایر پیامبران و اولیاء به فراموشی سپرده خواهند شد که‏ در این صورت تمامی انسانیت در ورطه نیستی‏ خواهد افتاد.

در این مقوله که روشنگر ماهیت وجود است، با نگاهی گذرا امام علی بن ابیطالب را به عنوان‏ برترین نمونه تجلی ماهیت بشری و تحقق انسانیت‏ انسان با تمام صفات و ویژگیهای او برگزیده‏ایم. او که قانون و قاعده معنوی،اخلاقی،انسانی، سیاسی و اجتماعی کاملی است که خداوند آن را در وجدان بشر،بیدار کرده و آن را در مسائل و امور مختلف روزمره او حاضر و ناظر قرار داده است. امام علی در کنار سایر پیامبران در روشنترین صورت‏ انسانی به عنوان یکی از زبانهای خدا در روی زمین‏ در آمده و سخنگوی خداوند شده است.

شاید کسانی که امام را نمی‏شناسند و یا نمی‏خواهند بشناسند ما را-که به تعظیم و بزرگداشت ایشان می‏پردازیم-به غلو و اغراق و یا افراطی گری عاطفی متهم کنند.

اما چه پاسخی شایسته‏تر از این که ما از این افراد دعوت کنیم که مفتخر به آشنایی با ایشان شوند و درباره او مطالعه کنند،به سخنان آن حضرت گوش‏ فرا دهند،ایشان را همراهی نمایند و سیره و افتخارات و ویژگیها و جهاد و مبارزات و فعالیتها و کردار و رفتار و سخنانشان را مورد بررسی‏ قرار دهند.

اگر جشنهایی که در عید میلاد آن امام‏ بر پا می‏کنیم برای تکریم و بزرگداشت ایشان است‏ و اگر با این کار می‏خواهیم خدمتی به ایشان بکنیم‏ [هیچ از خود پرسیده‏ایم‏]که بزرگداشت و تعظیم‏ ما چه ارزشی دارد در جایی که خداوند او را مورد تکریم قرار داده و تجلیل کرده است.بزرگداشت‏ ما کدام صفت را به صفات کمال کسی اضافه می‏کند که تاریخ،جاودانه‏اش کرده است.[خوب‏ می‏دانیم‏]که تزویر و فریب در تاریخ راه ندارد و به‏ کسی باج نمی‏دهد،امام نیز خوش نمی‏دارد که‏ گمان کنیم او طالب ستایش و شنیدن مدح و ثناست.او از روی تواضع نمی‏پسندد که با وی‏ بسان سخن گفتن با گردنکشان سخن بگوئیم.(2) این بزرگداشت‏ها و جشن گرفتنها نه بخاطر او که‏ برای خودمان است،بزرگداشت و تکریم بشریت‏ خودمان بوسیله اوست.بزرگداشت و تکریم ما برای شناختن پلیدیهای درون‏مان به کمک طهارت‏ وجودی اوست،بزرگداشت و تکریم ما برای طرد \*بزرگترین خطری که در عصر حاضر انسان را تهدید می‏کند رویکرد او به‏ مادیگرایی،جذب شدن به‏ سوی زمین و در نتیجه‏ کاهش معنویت آسمانی است.

شیاطین روحمان از طریق قداست روحی اوست و بالاخره بزرگداشت و تکریم ما برای شناخت زشتی‏ درونمان با نگریستن به آئینه وجود اوست.

ما سخت نیازمند آنیم که همه مناسبتهای مربوط به امام را مورد توجه قرار دهیم و راه و روش او را درک کنیم و در حقایق مربوط به او غور نمائیم و از خصائص و ویژگیهای او الهام بگیریم تا با ژرف نگری و روشن بینی‏های انسانی او،معنی‏ زندگی را دریابیم.ما همچنان از عصر او دور مانده‏ایم و او در عصر ما از ما و از همه‏ فیلسوفان،مصلحان و صالحان و انسان دوستان‏ جلوتر است.ما با تمام تمدن و انسانیت و عدالت‏ و فرهنگ و سیاست و آداب و ادیان خود،از او دور مانده‏ایم.

اسلام از اسلام‏[واقعی‏]و مسیحیت از مسیحیت‏[واقعی‏]عقب مانده است و یهودیت از زمان پیدایش،از مبانی اعتقادی اصلی خود دور مانده است.

اسلام امروزی کجا و اسلام جزیرة العرب‏ [صدر اسلام‏]و اسلام پیامبر و اسلام علی کجا که‏ در آن صاحبان ادیان مختلف در جزیرة العرب در کنار هم و با وفاقی گسترده‏تر زندگی می‏کردند. مسیحیت معاصر کجا و این کلام مسیح کجا که‏ گفت:«در حق کسی که به شما نفرین و ناسزا گوید دعای خیر کنید و برای کسی که به شما ستم روا می‏دارد نماز بگزارید»در حالی که اکنون مسیحیان، در حق آن کس که به آنان دعای خیر می‏کند نفرین و ناسزا می‏گویند و کسی را که آنان را دوست می‏دارد مورد آزار و ستم قرار می‏دهند.

ما به امام نیاز داریم تا دو گانه پرستی،پرستش‏ خدایان سنگی و خدایان گوشتی،خدایان طلای‏ زرد و طلای سیاه از بین بروند.مردم جوامع مدنی‏ اگر درباره اصلاحات اجتماعی امام علی چیزی‏ نخوانده باشند،عقب مانده هستند.پیروان ادیان‏ آسمانی اگر درباره پیشگامی علی برای انجام‏ کارهای شایسته چیزی نخوانده باشند از دین‏ خارج‏اند.اهل قلم و علم و اندیشه اگر برتری عقل‏ و نیز بلاغت و فصاحت و گوهرهای معانی و سخن‏ را از علی برنگیرند جاهل و نادان‏اند.

روحانیون از هر دین و مذهب که باشند تنها در صورتی که بتوانند از مباحث علم الهی امام روشنی‏ بر گیرند،با روح فقه همراه شده و نصرت خدا را در روی زمین به همراه خواهند داشت و در آن‏ صورت خطبه«اشباح»(3)امام،بخشی از نمازهای‏ روزانه آنان خواهد شد.پدران و مادران،مربیان و راهنمایان اگر وصیت امام به فرزندش حسن«ع»را تعلیم ندهند مرتکب قصور و تقصیر شده‏اند.

قضات و دست اندرکاران دستگاه عدلیه و آنهایی که امین مسایل خاص و عام مردم هستند با داشتن نامه امام به قاضی خود«شریح بن حارث»، از خطا و آلودگی و لغزش مصون خواهند شد.

ارتشها و فرماندهان و نظامیان با پیروی از نامه‏های امام به امرای سپاه خود،به بعد انسانی‏ شمشیر و ادوات جنگی و آداب بهره‏گیری از آنها، آراسته خواهند شد.

تمام زمامداران،صرف نظر از تفاوت کشورها و نظامها و قانون اساسی‏شان اگر به مواعظ، عدالت‏ورزی،مساوات و دعاهای امام توجه نکنند و نامه او را به مالک اشتر و سایر کارگزاران مطالعه‏ نکنند،در معرض لغزش و اشتباه و گناه خواهند بود.

ثروتمندان،متمولان و مترفین اگر از طبقه پائین‏ جامعه و از بیچارگان و بینوایان و نیازمندان غافل‏ شوند،در ورطه بی‏دینی خواهند افتاد و آسمان و زمین برای آنان زندان خواهد شد.

آیا نظام نوین جهانی که نظام دهندگان متجدد، داعیه‏دار آنند،همان نظامی نیست که انسان را کالایی برای اهداف مادی و حریصانه خود می‏داند؟!تنها نظام واحد جهانی نوین و قدیم، همان است که برخاسته از نصرت و رحمت خدا است و امام علی آن را با تمام ابعاد انسانی و مفاهیمش تصویر می‏کند.

نظام جهانی علی یعنی حق:که امام بیشترین‏ توصیف را درباره آن بیان کرده و بیش از هر چیز در این خصوص به عدالت رفتار کرده است.

یعنی عدالت:«و لا یکونن المحسن و المسیئ‏ عندک بمنزلة سواء»(4)هرگز نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان نباشد.

یعنی قدرت مشروع:«فلا تقوین سلطانک‏ بسفک دم حرام»(5)با ریختن خون حرام حکومت‏ خود را تقویت مکن.

یعنی عدالت ورزی:«انصف الناس من نفسک‏ و من خاصة اهلک»(6)با مردم و با خویشاوندان‏ نزدیک عدالت و انصاف را رعایت کن.

یعنی رحمت:«و اشعر قلبک الرحمة للرعیة: (7)مهربانی با مردم را لازمه دل خویش قرار ده.

یعنی پاکی:«کیف تسیغ شرابا و طعاما و انت‏ تعلم انک تأکل حراما و«تشرب حراما»(8)چگونه‏ نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا می‏کنی در حالی‏ که می‏دانی حرام می‏خوری و حرام می‏نوشی؟

یعنی مساوات و برابری:«فما جاع فقیر الاّ بما متع به غنی»(9)هیچ فقیری گرسنه نمی‏ماند مگر بخاطر بهره‏مندی توانگران.

یعنی بلندی و عظمت:«اللهم احقن دماء ناو دماءهم»(10)خدایا خون ما و خون آنها(دشمنان) را حفظ کن.

یعنی گذشت:«فاعفوا،الا تحبون ان یغفر الله‏ لکم»(11)عفو و گذشت کنیه،آیا دوست ندارید خدا شما را ببخشد.

یعنی آزادی:«لا تکن عبد غیرک و قد جعلک‏ الله حرا:»(12)برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است.

یعنی دمکراسی:«ایها الناس!ان لی علیکم حقا و لکم علی حق.»(13)ای مردم!مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است.

یعنی پارسائی،زهد و تقوی و دوری از تعصب‏ و پیراستن خود از مفاسد زندگی.

نظام جهانی امام،نظام تربیت انسان شایسته‏ برای خدمت به جامعه شایسته است،در حالی که‏ هدف گرایش نوین جهانی امروز،ساختن انسان‏ برای خدمت به اهداف این نظام است.

امام با نیروی بازو و زبان و عملکرد خود و با الگو قرار دادن خود و شهادت خویش،در راه نظام‏ جهانی‏اش مبارزه کرد؛نظامی که یک انقلاب‏ انسانی فروزان است و با پیشگوئی،از زمانها پیشی‏ می‏گیرد و حرکت بشریت را تا بی‏نهایت همراهی‏ می‏کند.

اما...انقلاب او یک کودتای فرصت طلبانه‏ نیست و هر کودتایی انقلاب محسوب نمی‏شود و انقلاب هم به معنی تمایل به سلطه طلبی و افزایش‏ خونریزی نیست.چه بسا خونهای پلیدی که در \*نظام جهانی علی یعنی حق: که امام بیشترین توصیف را درباره آن بیان کرده و بیش از هرچیز در این خصوص به‏ عدالت رفتار کرده است.

عالم جنایات سیاسی ریخته می‏شود و چه بسا خونهای پاکی که در عالم تعالی و ترقی انسان‏ بر زمین می‏ریزد.

انقلاب امام یعنی انقلاب مظلوم بر ظالم، انقلاب نیکی بر شر و پلیدی؛انقلاب حق بر باطل، انقلاب حلال بر حرام،انقلاب عفو و گذشت بر انتقام،انقلاب عدالت بر علیه جور و ستم،انقلاب‏ انسان آزاده علیه بردگی،انقلاب انسان پاک بر انسان فاجر،انقلاب انسان بیگناه بر انسان مجرم، انقلاب انسان شایسته بر انسان تبهکار،انقلاب‏ خرد ورزی بر جهل و نادانی،انقلاب دلاوری بر ترس و بزدلی،انقلاب انسان بخشنده بر انسان‏ فرومایه،انقلاب گرسنه بر محتکر،انقلاب‏ فضیلت بر رذیلت،انقلاب تقوا بر کفر،انقلاب‏ مؤمن بر متعصب،انقلاب صداقت بر نفاق، انقلاب استقامت بر انحراف،محبت بر بغض و عداوت،شکر بر ناخشنودی،بخشش بر حرمان، صدقه و انفاق بر امساک،بخشش بر تنگ‏چشمی، انقلاب زهد بر خوش گذرانی و ناز و نعمت،حیا بر عفت،تواضع بر تکبر،توبه بر علیه گناه، انقلاب استغفار بر سرکشی،حکمت بر نادانی‏ و خیره سری،امانت علیه خیانت و زیرکی بر فتنه‏گری.

اینها عناوین انقلابی انسانی است که امام‏ علی(ع)آن را اعلام و عملی کرد و بخاطر آن مبارزه‏ نمود.ما این عناوین را در دسترس مردم این زمان‏ قرار می‏دهیم تا راهنمای هدایت خواهان باشد و آنها را برای کسانی مطرح می‏کنیم که امام را نمی‏شناسند و یا نمی‏خواهند بشناسند و ما را به اغراق و غلو در بزرگداشت و تکریم و تعظیم امام متهم می‏کنند. این عناوین و سرفصلها غایت وجودی انسان را از نظر گوهر،روان،ارزشها و کیان و هستی او بازگو می‏کند و زنده و پویا در هر زمان و مکان و نسل‏ و حتی می‏توان گفت تا روز قیامت تداوم خواهد یافت.

این عناوین در پایان این بحث درباره عنوان‏ مطلب یعنی:«آمیزه»«آرمان»و«واقعیت»برای‏ حرکت در مسیر جاودانگی به ما می‏گوید که‏ می‏شود با آرمانگرایی را واقعمدارانه امام پیوند یابیم تا همراه با او در زمین و در آسمان جاودانه‏ گردیم.

(1)-فیلسوف و نویسنده فرانسوی متولد سال 1905 و از رهبران‏ مکتب«نهیلسیم»

(2)-نهج البلاغه محمد دشتی خطبه 216

(3)-خطبه 91 از نهج البلاغه محمد دشتی،موسوم به«اشباح» از معروفترین خطبه‏های علی(ع)در زمینه مسائل اعتقادی‏ و خداشناسی است.

(4)و(5)و(6)و(7)-نهج البلاغه دشتی،نامه 53

(8)-همان،نامه 41

(9)-همان،قصار 328

(10)-همان،خطبه 206

(11)-همان،نامه 23

(12)-همان،نامه 31

(13)-همان،خطبه 34

رهبری

جز این نیست که امامان از سوی خدا، کار آفریدگان او را به سامان آورند و از جانب او بر مردم سروری یافته‏اند. به بهشت نرود مگر کسی که آنها را شناخته باشد و آنها او را شناخته‏ باشند.به دوزخ نرود مگر کسی که‏ آنها را انکار کرده باشد و آنان نیز او را انکار کرده باشند.

علی علیه اسلام